

فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر

سال چهارم، شماره هشتم، بهار ۱۳۸۹

تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۸۸/۹/۵

صص ۱۳۰ - ۱۱۱

تفاوت‌های فردی دانشجویان و رابطه آنها با یادگیری زبان

انگلیسی

بهمن گرجیان^۱ خلیل محمودی^۲، فرزانه میر^۲

چکیده

این پژوهش تفاوت‌های فردی دانشجویان دختر و پسر و رابطه آنها با یادگیری زبان انگلیسی را بررسی نموده است. این تفاوت‌ها شامل انگیزش (ابزاری و یکپارچه)، نگرش، اضطراب، سن و جنسیت در دانشگاه‌های آزاد اسلامی اهواز و آبادان بودند. جمعیت آماری شامل دانشجویان زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی (EFL) بود و نمونه آماری (۲۰۰ نفر) از میان آنها به

وسیله نمونه گیری تصادفی طبقه بندی انتخاب شد. ابزار تحقیق پرسشنامه نگرش سنجی آرنلدز (۱۹۹۸) بود که روایی و اعتبار قابل قبول داشت. داده‌ها به وسیله آماره‌های تحلیل واریانس (ANOVA) و کی دو (Chi-square) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که بین متغیرهای تحقیق به شرح ذیل ارتباط وجود دارد: (۱) بین انگیزش (ابزاری و یکپارچه) و یادگیری زبان انگلیسی ارتباط معنی دار است ($p < .01$)، (۲) بین اضطراب و یادگیری زبان انگلیسی ارتباط به صورت منفی معنی دار است ($p < .01$)، و (۳) بین نگرش، سن، جنسیت و یادگیری زبان انگلیسی ارتباط معنی داری مشاهده نگردید ($p < .05$). این پژوهش به اساتید زبان انگلیسی این امکان را می دهد که تفاوت‌های فردی دانشجویان را شناسایی کنند و بتوانند روش‌های تدریس زبان انگلیسی را به طور موثرتر به کار گیرند.

واژه‌های کلیدی: تفاوت‌های فردی، انگیزش، نگرش، اضطراب، سن، جنسیت

مقدمه

این تحقیق از نوع توصیفی^۱ است که به بررسی رابطه بین انگیزش^۲، نگرش^۳، اضطراب^۴، سن^۵ و جنسیت^۶ دانشجویان و یادگیری زبان انگلیسی در دانشگاه‌ها پرداخته است. تفاوت‌های فردی دانشجویان به عنوان متغیرهای مستقل و رابطه آنها با یادگیری زبان انگلیسی بعنوان یک متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفت. نمونه آماری در این تحقیق از دو دانشگاه آزاد اسلامی اهواز و آبادان انتخاب شدند و نتایج آن می تواند در دانشگاه‌های دیگر تعمیم داده شود. اهمیت این تحقیق در آن است که کشف روابط فوق تا کنون به صورت مجزا صورت گرفته است و به طور تجمعی روی تفاوت‌های فردی کار انجام نگرفته است. نتایج این پژوهش در بکارگیری

-
1. Descriptive
 2. Motivation
 3. Attitude
 4. Anxiety
 5. Age
 6. Gender

مناسب روش‌های تدریس در یادگیری زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی^۱ در ایران اهمیت دارد.

زبان انگلیسی در حال حاضر بعنوان یک زبان بین‌المللی و نه متعلق به یک کشور یا یک فرهنگ مطرح است (نونان^۲، (۲۰۰۵) و اسمیت^۳، (۱۹۹۳). هیپشر^۴ (۲۰۰۶) بیان می‌دارد که اساتید زبان انگلیسی باید تفاوت‌های فردی دانشجویان را درک کنند تا بتوانند بر اساس آن روش‌های تدریس مناسب را بکار گیرند. آنها باید دیدگاهی جامع از نیازها و طرز نگرش دانشجویان خود داشته باشند. در این صورت می‌توانند به صورت حرفه‌ای به تدریس زبان انگلیسی در کشور بپردازند.

بیان مسأله و فرضیه‌ها

مسئله اصلی در این پژوهش کشف روابط احتمالی بین یادگیری زبان انگلیسی و تفاوت‌های فردی دانشجویان است که به صورت سوالات تحقیق در زیر بیان شده است:

- ۱- آیا رابطه‌ای بین یادگیری زبان انگلیسی و متغیرهای انگیزش (ابزاری یا یکپارچه)، نگرش، اضطراب، سن و جنسیت وجود دارد؟
 - ۲- اگر این روابط وجود دارد تا چه اندازه است و چه تاثیری در یادگیری زبان انگلیسی بعنوان یک زبان خارجی دارند؟
- بر اساس سوالات فوق ۶ فرضیه صفر^۵ شکل گرفت که هر کدام یک متغیر را مورد آزمون قرار می‌دهد. این فرضیات عبارتند از:
- ۱ و ۲- رابطه‌ای بین یادگیری زبان انگلیسی و انگیزش (ابزاری و یکپارچه) وجود ندارد.

1. EFL
2. Nunan
3. Smith
4. Hipsher
5. Null hypothesis

۳- رابطه‌ای بین یادگیری زبان انگلیسی و نگرش وجود ندارد.

۴- رابطه‌ای بین یادگیری زبان انگلیسی و اضطراب وجود ندارد.

۵- رابطه‌ای بین یادگیری زبان انگلیسی و سن وجود ندارد.

۶- رابطه‌ای بین یادگیری زبان انگلیسی و جنسیت وجود ندارد.

اهداف و اهمیت تحقیق

هدف اصلی این تحقیق کشف روابط بین تفاوت‌های فردی زبان آموزان و یادگیری زبان انگلیسی است. کشف تفاوت‌های فردی نظیر انگیزش، نگرش، اضطراب، سن و جنسیت در میزان یادگیری زبان انگلیسی دانشجویان می‌تواند به مریبان کمک مؤثری در ارتقای سطح کیفی تدریس نموده و نقش تعیین کننده داشته باشد.

در کشور ما آموختن زبان انگلیسی بعد از دو دوره راهنمایی و دبیرستان و در ورود به دانشگاه با مشکل جدی عدم توانایی در آموختن زبان همراه است. تدریس زبان از آموختن چند کلمه یا جمله و نکات دستوری فراتر نمی‌رود و مدرسین مجبور به تدریس مقوله‌هایی هستند که دانش آموزان باید آن را امتحان بدهند. بنابراین زبان آموزی جنبه‌ی رسمی و سنتی دارد.

در بیشتر مدارس از زبان اول در تدریس زبان دوم استفاده می‌شود و در دانشگاه‌ها نیز تقریباً این رویه دنبال می‌شود. اگر اعتقاد داشته باشیم که تفاوت‌های فردی تأثیر زیادی روی یادگیری زبان دارد به عقیده نونان^۱ (۲۰۰۵:۵) باید به شناسایی این تفاوت‌ها و تطبیق روش‌های تدریس با آنها همت گمارده شود. نتایج این پژوهش می‌تواند برای معلمین، مربی دانشگاه و سیاست‌گذاران تعلیم و تربیت در کشور مؤثر باشد و در ارتقای سطح یادگیری زبان انگلیسی نیز نقش مهمی ایفا کند.

بررسی پیشینه تحقیق

مطالعات فردی دانشجویان از دهه ۱۹۷۰ شروع شده است که روش‌های تدریس بر روی توانایی‌های یادگیرنده بعنوان محور یادگیری^۱ متمرکز شدند.

بنابراین تفاوت‌های فردی یادگیرندگان محور شناسایی توانایی آن‌ها برای یادگیری مدنظر قرار گرفت. از دانشمندانی که روی تفاوت‌های فردی تحقیق کردند می‌توان مازلو (۱۹۷۰)، کراشن (۲۰۰۵ و ۱۹۸۲)، میرز (۱۹۹۴)، مادرید (۱۹۹۵)، گاردنر (۱۹۸۵) و هفرمن (۱۹۸۱) را نام برد. آن‌ها عقیده داشتند که متغیرهایی نظیر انگیزش، نگرش، اضطراب، سن و جنسیت در یادگیری زبان انگلیسی نقش مؤثری را ایفا می‌کند. آن‌ها در مورد دو متغیر آخر یعنی سن و جنسیت اعتقاد دارند که نقش اجتماعی و فرهنگی آن‌ها بیشتر از نقش بیولوژیکی آن‌ها مهم است.

تفاوت‌های فردی یادگیرندگان باید در یادگیری زبان انگلیسی مدنظر قرار گیرد و آن‌ها بتوانند جامعه مدرن و دنیای خارج را با توجه به نقش جهانی سازی را مدنظر قرار دهند. از دیدگاه کینل و لوید (۲۰۰۵) جهانی شدن مرحله ای است که جامعه در آن تمام مقوله‌های تمدن را درک خواهد کرد. این تفاوت‌های فردی به طور اختصار در این قسمت شرح داده خواهد شد.

انگیزش علاقه یا آرزوی درونی برای رسیدن به یک هدف است. گاردنر (۱۹۸۵) و آکسفورد و شیرین (۱۹۹۴) انگیزش را به دو دسته تقسیم کرده اند: انگیزش ابزاری و انگیزش یکپارچه. انگیزش ابزاری به اهدافی نظیر یافتن شغل، اخذ نمره یا پاس کردن امتحان در زبان آموزی مربوط می‌گردد. ولی انگیزش یکپارچه به زبان آموزی جهت نزدیک شدن به فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی آن زبان و تطبیق با افراد آن جامعه است. تحقیقات ثابت کرده است که هر دو نوع انگیزش در یادگیری زبان انگلیسی تأثیر دارند. (گرجیان، ۱۹۹۸؛ دورنیه، ۱۹۹۴؛ اوزمان، ۲۰۰۴ و رحمان، ۲۰۰۵).

نگرش طرز تلقی زبان آموزان نسبت به زبان انگلیسی است که به صورت مثبت، منفی یا خنثی ممکن است وجود داشته باشد (کوک، ۲۰۰۳). این طرز نگرش با توجه به سابقه ذهنی، فرهنگ زبان آموز، دور یا نزدیک بودن به فرهنگ زبان دوم تعریف و تلقی می‌گردد. هر کدام از زبان آموزان ممکن است تعریف و نگرش مختلفی با توجه به سابقه ذهنی خود از فرهنگ و زبان یا مردم و سرزمین زبان دوم داشته باشند. اگر این تصویر ذهنی مثبت بود، یادگیری را تسهیل و اگر منفی یا خنثی بود در عدم یادگیری تاثیر می‌گذارد (سوانز، ۱۹۸۸؛ فرهادی، ۱۹۸۲؛ گامپرز، ۱۹۸۲).

اضطراب نوعی نگرانی درونی است که در یادگیری زبان انگلیسی تاثیر منفی یا ممکن است تاثیر مثبت بگذارد. کراشن (۱۹۸۲) اعتقاد دارد که اضطراب در سطوح بالا می‌تواند مانع یادگیری شود. براون (۲۰۰۰؛ ۲۰۰۵) اعتقاد دارد که اضطراب ممکن است تسهیل کننده باشد. یعنی مقدار کم اضطراب موجب تحریک یادگیرنده برای یادگیری می‌شود و مقدار زیاد آن می‌تواند مانع یادگیری باشد. یعنی مقدار زیاد آن موجب تسلیم یادگیرنده شود و از قصد او جهت یادگیری زبان باز دارد.

سن از نظر آکسفورد (۱۹۹۹) یک متغیر بیولوژیکی است که براساس آن در مراحل مختلف زبان آموز میتواند زبان هدف در یک مدت معین کسب کند. البته بیشتر این مطالعات در زبان اول صورت گرفته است که معروفترین آن مطالعات لئبرگ (۱۹۶۷) است که آستانه زبان آموزی را برای یادگیری زبان تعریف کرده است که در دوره نوجوانی است و حدود ۱۲ تا ۱۴ سالگی را شامل می‌شود. تئوری سطح بلوغ در زبان آموزی بیان می‌دارد که بعد از سن بلوغ و با افزایش سن فعل و انفعالات کورتکس مغز کاهش می‌یابد و یادگیری زبان با کندی روبرو می‌شود. تحقیقات اخیر (مثلاً کراشن، ۱۹۸۲) ثابت کرده است که یادگیری زبان پس از بلوغ ممکن است در سرعت یادگیری زبان تاثیر بگذارد ولی در میزان یادگیری زبان تاثیر نمی‌گذارد.

گذارد. تنها تفاوتی که بین زبان آموزان ممکن است وجود داشته باشد این است که در بزرگسالی تسلط کامل بر تلفظ صورت نمی‌گیرد ولی در بقیه موارد از لحاظ یادگیری زبان تفاوتی وجود ندارد. کوک (۲۰۰۳) و قلیچ لی (۲۰۰۱) در تحقیقی بیان داشتند که سن تأثیری در یادگیری ندارد.

جنسیت در یادگیری زبان دارای دو تعریف است. یکی تعریف بیولوژیک یعنی جنس و دیگری تعریف اجتماعی یعنی جنسیت است. (عنایتی و گرجیان، ۲۰۰۶). در این پژوهش جنسیت مدنظر است و این عقیده وجود دارد که جنسیت در یادگیری زبان انگلیسی مؤثر است (اوکی، ۲۰۰۳). گرجیان (۲۰۰۶) در تحقیقی که انجام داد نتیجه گرفت که جنسیت در یادگیری زبان انگلیسی تأثیر چشمگیری ندارد. تحقیقات دیگر نظیر مجتبی (۲۰۰۲) نقش جنسیت را در زبان آموزی از لحاظ اجتماعی بررسی کرده اند و آن را مؤثر دانسته اند.

روش پژوهش

روش پژوهش در این تحقیق از نوع توصیفی است و در این قسمت چگونگی انتخاب نمونه آماری، ابزار تحقیق و مراحل اجرا شرح داده می‌شود.

شرکت کنندگان

دانشجویانی که در این پژوهش شرکت کردند شامل ۲۰۰ دانشجوی (۱۰۰ پسر و ۱۰۰ دختر) بودند که در کلاس‌های زبان انگلیسی بعنوان زبان عمومی در نیمسال اول ۱۳۸۶ در دانشگاه‌های آزاد اسلامی واحد اهواز و آبادان مشغول به تحصیل بودند. نمونه آماری از بین جامعه آماری موجود به وسیله نمونه گیری آماری احتمالی طبقه‌بندی انتخاب شدند و به پرسشنامه نگرش سنجی آرنلدز (۱۹۹۸) پاسخ دادند. این دانشجویان بین سنین ۱۸ تا ۴۵ بودند و در دانشکده‌های غیر زبان انگلیسی مشغول به تحصیل بودند.

ابزار تحقیق

ابزار تحقیق پرسشنامه نگرش سنجی آرنندز (۱۹۹۸) بود که شامل ۲۵ سوال از نوع سوالات ۵ گزینه ای لیکرت (۱۹۳۲) بود به این صورت که پاسخگویان گزینه‌های خیلی کم (۱) کم، (۲)، متوسط (۳)، زیاد (۴) و خیلی زیاد (۵) را انتخاب می کردند. عدد گذاری گزینه‌های پرسشنامه به دلیل تبدیل پاسخ‌های کیفی به کمی جهت انجام تجزیه و تحلیل آماری بود.

اعتبار پرسشنامه آرنندز (۱۹۹۸) به وسیله پرسشنامه نگرش سنجی موقعیت کلاسی آکسفورد (۱۹۹۰) همبسته شد و میزان اعتبار پرسشنامه ($r = .85$) بود. پایایی پرسشنامه تحقیق بر روی یک نمونه آماری مشابه انجام گرفت و از روش کرو نباج آلفا استفاده شد که میزان آن ($\alpha = .94$) بود. از دانشجویان خواسته شده بود که سن و جنسیت خود را در پرسشنامه اضافه کنند. بنابراین، هر دسته سوال یک فرضیه را مورد آزمون قرار داد. در مجموع هر تفاوت فردی در یک فرضیه جای می گرفت که بعد از جمع آوری نتایج و دسته بندی پرسشنامه به صورت جداگانه در دو گروه دانشجویان پسر و دختر قابل تجزیه و تحلیل آماری شدند. در پایان نیمسال اول ۱۳۸۶ دانشجویان به پرسشنامه نگرش سنجی پاسخ دادند و سپس پرسشنامه‌ها جمع آوری و جهت تجزیه و تحلیل آماری توصیفی و استنباطی آماده شدند.

مراحل اجرا

در این تحقیق تفاوت‌های فردی دانشجویان و رابطه آنها با یادگیری زبان انگلیسی بررسی شد. این دانشجویان زبان عمومی را بعنوان یک زبان خارجی (EFL) در دانشگاه‌های اهواز و آبادان در نیمسال اول ۱۳۸۶ می گذراندند. آنها به دو دسته زن ($n=100$) و مرد ($n=100$) به وسیله نمونه گیری احتمالی طبقه بندی انتخاب شدند و به پرسشنامه آرنندز (۱۹۹۸) که دارای ۲۵ سوال ۵ گزینه ای بود پاسخ گفتند. این پرسشنامه دارای ۵ دسته سوالات بود که ۶ فرضیه را

مدنظر داشتند. فرضیه‌ها عبارت بودند از ارزیابی نقش تفاوت‌های فردی دانشجویان که شامل انگیزش (ابزاری و یکپارچه)، نگرش (مثبت؛ منفی و خنثی)، اضطراب (بالا، پایین یا متوسط)، سن و جنسیت می‌شدند. سوالات به وسیله نرم افزار آماری (SPSS 11.5) تجزیه و تحلیل آماری شدند و از روشهای توصیفی نظیر میانگین، انحراف استاندارد، واریانس، دامنه، حد بالا و پایین استفاده شد و از آمارهای استنباطی نظیر آنالیز واریانس^۱ و کای اسکور^۲ در تجزیه و تحلیل آماری داده‌های بدست آمده استفاده شد.

نتایج

داده‌های تحقیق پس جمع‌آوری دسته‌بندی و میانگین پاسخ‌های شرکت کنندگان در گزینه‌ها از (خیلی کم) تا ۵ (خیلی زیاد) محاسبه گردید. پاسخ‌ها با روش کولمرگروف اسمیرنوف^۳ یا آزمون طبیعی بودن توزیع نمرات^۴ تجزیه و تحلیل شدند تا اطمینان حاصل شود که توزیع نرمال است. با استفاده از این آزمون برای متغیرهای انگیزش (ابزاری و یکپارچه) نگرش و اضطراب از روش آماری پارامتریک آنالیز واریانس و برای متغیرهای سن و جنسیت از آمار ناپارامتریک کای اسکور در تجربه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. آمار توصیفی داده‌ها نیز شامل میانگین، انحراف استاندارد، حد بالا و پایین، واریانس و دامنه بود که در جدول ۱ و ۲ نمایش داده شده است.

نتایج تجزیه و تحلیل آماری ANOVA ارتباط بین تفاوت‌های فردی (انگیزش، نگرش، اضطراب، سن و جنسیت) و یادگیری زبان انگلیسی و یادگیری زبان انگلیسی در جداول زیر ارائه شده است.

1. ANOVA
2. Chi-square
3. Kolomogrofv-Smirnov
4. Normal Test of Distribution

جداول ۳ و ۴ - **آزمون فرضیه اول:** رابطه بین یادگیری زبان انگلیسی و متغیرانگیزش ابزاری:

آزمون فرضیه اول رابطه بین یادگیری زبان انگلیسی وانگیزش ابزاری در پسران را با $(F=2.569, p<.002)$ و در دختران را با $(F=3.055, p<.000)$ نشان می دهد. در هر دو متغیر رابطه معنی دار در سطح $(p<.01)$ وجود دارد.

حال تفاوتی که بین دختران و پسران وجود دارد وجود مربع میانگین نگرش آنها در پسران با (2.101) و در دختران با (2.009) است. این تفاوت نشان می دهد که پسران دیدگاه ابزاری کمتری نسبت به یادگیری زبان انگلیسی دارند و بیشتر به ارتباط و استفاده از زبان انگلیسی با فرهنگ و مردم این زبان می اندیشند.

جداول ۵ و ۶ رابطه بین یادگیری زبان انگلیسی و متغیرانگیزش یکپارچه در پسران را با $(F=1.898, p<.038)$ و در دختران با $(F=2.676, p<.002)$ نشان می دهد که بین دو متغیر رابطه معنی دار در سطح $(p<.01)$ وجود دارد.

اما آنچه که از مربع میانگین نگرش نسبی در پسران (2.455) و در دختران با (2.167) استنباط میشود این است که نشان می دهد پسران از انگیزش یکپارچه بیشتری نسبت به دختران برخوردارند که نتایج فرضیه شماره یک را تایید می کند.

جداول ۷ و ۸ - **آزمون فرضیه سوم:** رابطه بین یادگیری زبان انگلیسی و متغیر نگرش: تجزیه و تحلیل آماری ANOVA با $(F=1.506, p<.100)$ در پسران و با $(F=.768, p<.754)$ در دختران نشان می دهد که بین یادگیری زبان انگلیسی و نگرش در دانشجویان رابطه معنی داری در سطح $(p<.01)$ وجود ندارد. نتایج مربع میانگین این متغیر در پسران با (2.499) و در دختران با (2.866) نشان می دهد که پسران و دختران نگرشی خنثی به زبان انگلیسی و آموختن آن دارند.

جدول ۹ و ۱۰- آزمون فرضیه چهارم: رابطه بین یادگیری زبان انگلیسی و متغیر اضطراب: رابطه بین یادگیری زبان انگلیسی و متغیر اضطراب در دانشجویان پسر با $(F=2.235, p<.004)$ و در دختران با $(F=1.902, p<.016)$ نشان داد که بین دو متغیر رابطه معنی دار در سطح $(p<.01)$ دارد.

آزمون فرضیه پنجم: رابطه بین یادگیری زبان انگلیسی و سن:

در محاسبه رابطه بین یادگیری زبان انگلیسی و متغیر سن از روش آماری کای اسکور (X^2) استفاده شد که کی دو مشاهده شده $(X_0^2 4.63)$ و کی دو بحرانی $(X_C^2 = 9.42)$ نشان داد که بین دو متغیر رابطه معنی داری در سطح $(p<.05)$ وجود ندارد.

آزمون فرضیه ششم: رابطه بین یادگیری زبان انگلیسی و جنسیت:

رابطه بین یادگیری زبان انگلیسی و جنسیت از طریق روش آماری کی دو X^2 محاسبه گردید. کی دو مشاهده شده $(X_0^2 4.14)$ و کی دو بحرانی $(X_C^2 = 9.42)$ بود. بنابراین، رابطه معنی داری بین دو متغیر در سطح $(p<.05)$ مشاهده نگردید.

به طور کلی، نتایج تحقیق نشان داد که بین یادگیری زبان انگلیسی و متغیرهای انگیزش (ابزاری و یکپارچه) و اضطراب رابطه معنی داری در سطح $(p<.01)$ وجود دارد ولی رابطه معنی داری بین نگرش، سن و جنسیت در سطح $(p<.05)$ وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

نتایج این تحقیق نشان داد که بین دختران و پسران در یادگیری زبان انگلیسی تفاوت‌های فردی خاص وجود دارد که ضمن بیان آنها، تفاوت‌های فردی را در دو جنسیت دختران و پسران از دیدگاه مقایسه ای مورد نظر قرار می‌گیرد. نتایج نشان داد رابطه بین یادگیری زبان در دختران و پسران با انگیزش ابزاری و یکپارچه رابطه معنی دار $(p<.01)$ دارد. قدرت انگیزش

ابزاری (مثلاً اخذ نمره، پاس کردن امتحان و مانند آن) در میان دانشجویان قوی تر است تا اینکه بخواهند فرهنگ و زبان انگلیسی را بخاطر ارتباط با آن جامعه فرا گیرند. ولی آنچه که مهم این است که به طور کلی پسران انگیزش (یکپارچه) بیشتری از دختران در یادگیری زبان انگلیسی از خود نشان می دهند. این نتیجه با تحقیقات گرجیان (۱۹۹۸)، دورنیه (۱۹۹۴) و آکسفورد و شیرین (۱۹۹۴) موافقت دارد که بیان می کنند، پسران از لحاظ ارتباط با کامپیوتر و بازی های کامپیوتری، اینترنت، ماهواره تلویزیونی و استفاده از فیلم های انگلیسی شانس و وقت بیشتری از دختران دارند. زیرا در جامعه ایران، پسران در اجتماع بیشتر از دختران حضور دارند و به طور یکسان با دختران از لحاظ فرصت های حضور اجتماعی نیستند. به همین دلیل انگیزش ابزاری در دختران بیشتر از پسران است و این امر ممکن است در اخذ نمرات دانشگاه و پاس کردن دروس زبان انگلیسی از پسران موفق تر عمل کنند. نتایج این متغیر در تحقیقات انصاری و بابایی^۱ (۲۰۰۲) نیز مشاهده می شود که پسران حضور بیشتر در یادگیری زبان انگلیسی نشان می دهند. در هر حال نتایج اخیر این تحقیق نشان می دهد که دانشجویان به طور کلی از انگیزش ابزاری بالا در یادگیری زبان برخوردار هستند و این با تحقیقات رحمان^۲ (۲۰۰۰) تطابق دارد.

این نکته که دانشجویان از انگیزش یکپارچه کمتری در یادگیری زبان در کشور ایران برخوردارند به این دلیل است که زبان انگلیسی زبان دوم (ESL) نیست و زبان خارجی (EFL) است یعنی در محیطی زبان آموزی اتفاق می افتد که تعامل و گفتگوی رودرو در جامعه صورت نمی گیرد و زبان آموزی فقط از طریق کلاس های درس امکان پیدا می کند. این نتایج با تحقیقات اوزمن^۳ (۲۰۰۴) موافق است که بیان می دارد در محیط های (EFL) که تقابل زبانی در جامعه وجود ندارد آموزش به صورت رسمی در مدارس و دانشگاه ها صورت می گیرد و این امر به ایجاد انگیزش ابزاری بیشتر کمک می کند ولی در محیط های (ESL) که

گویشوران آن زبان وجود دارند و تعامل زبان در جامعه وجود دارد انگیزش یکپارچه بیشتری به وجود می‌آید.

رابطه بین نگرش دختران و پسران و نگرش آنها نسبت به یادگیری زبان انگلیسی در سطح $(p < .01)$ معنی دار نبود. به عبارت دیگر زبان آموزان نگرش مثبت یا منفی نسبت به یادگیری زبان انگلیسی نداشتند و نگرش آنها خنثی بود. نتایج این فرضیه ثابت می‌کند که یادگیرندگان اطلاع جامع و کافی از فرهنگ و زبان انگلیسی ندارند و آن را بعنوان یک موضوع درسی مثل بقیه دروس پذیرفته‌اند. دلیل عمده آن عدم ارتباط با فرهنگ و زبان و مردم آن جامعه می‌باشد و زبان را در سطح آموزش فقط در اختیار دارند. نتایج این فرضیه با یافته‌های گاردنر (۱۹۸۵) همخوانی دارد که آموختن یک زبان ممکن است آموختن یک فرهنگ نباشد. تحقیقات فرهادی (۱۹۸۲)، گامپرز (۱۹۸۲)، سوانز (۱۹۹۸) و کینل و لوید (۲۰۰۵) نیز موید نتیجه این تحقیق است. بنابراین می‌توان ادعا نمود که زبان آموزان ایرانی تصویر کامل از ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی فرهنگ و زبان ندارند به همین دلیل دیدگاه مثبت یا منفی نسبت به آن ندارند و دیدگاه‌ها خنثی نسبت به آن دارند.

رابطه بین یادگیری زبان انگلیسی و اضطراب در سطح $(p < .01)$ معنی دار بود یعنی اضطراب در یادگیری زبان انگلیسی تأثیر دارد. نتایج نشان می‌دهد دختران از میانگین اضطراب بالاتر نسبت به پسران برخوردارند. گرجیان (۲۰۰۶) همبستگی این دو متغیر را از طریق ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که این ارتباط منفی است یعنی هر چه اضطراب نسبت به یادگیری زبان انگلیسی بالاتر اضطراب بالاتر باشد یادگیری کمتر اتفاق می‌افتد. بنابراین، با احتساب تجزیه و تحلیل ANOVA در پسران با $(F=2.235)$ و در دختران با $(F=1.902)$ مشخص می‌گردد که دختران در یادگیری انگلیسی از خود اضطراب بیشتری نشان می‌دهند.

این تحقیقات با یافته‌های کراشن (۲۰۰۵) همخوانی دارد که اضطراب بالا موجب عدم یادگیری و اضطراب کم یا تسهیل کننده می‌تواند به یادگیری زبان انگلیسی کمک کند. آکسفورد (۱۹۹۹) و براون (۲۰۰۰) نیز بیان می‌دارند که اضطراب در کلاس درس باید کنترل شود تا موجب ارتقا یادگیری گردد. بنابراین، رابطه آن با یادگیری منفی است. نتایج این تحقیق با مطالعات براون (۲۰۰۰:۱۵۲) تطبیق می‌کند که بیان می‌دارد نتایج نشان داده است که افراد مؤنث سطح اضطراب بالاتری نسبت به افراد مذکر در مراحل یادگیری دارند.

رابطه بین یادگیری زبان انگلیسی و سن در سطح $(p < .05)$ معنی دار نبود. نتایج تحقیق نشان داد که سن متغیر موثر در یادگیری زبان انگلیسی در ایران نیست. نتایج این تحقیق یا یافته‌های قلیچ لی (۲۰۰۱) موافقت دارد که سن، تأثیر برجسته‌ای در زبان آموزشی که وی مطالعه کرده بود (بین سنین ۱۵ تا ۳۵) نداشته است. کوک (۲۰۰۱:۱۳۴) نیز همین نتایج را بدست آورد و بیان داشت که "سن تفاوت خاصی در یادگیری زبان انگلیسی در موقعیت‌ها و افراد با سنین مختلف بوجود نمی‌آورد". کراشن (۱۹۸۲:۴۳۴) نیز بیان می‌دارد که سن متغیری نیست که بر یادگیری اثر بگذارد بلکه بیشتر متغیری است که ارتباط با وضعیت اجتماعی و روان فرد وارد بنابراین سن در یادگیری زبان تأثیر ندارد ولی در کشور ایران سن می‌تواند همراه محدودیت‌های اجتماعی و روان آن بررسی می‌شود که ممکن است روی روند زبان آموزی تأثیر بگذارد.

بین یادگیری زبان انگلیسی و جنسیت رابطه معناداری $(p < .05)$ مشاهده نگردید. نتایج این تحقیق نشان داد که بین جنسیت (دختر یا پسر) تأثیری در یادگیری زبان انگلیسی ندارد. این مطالعات با یافته‌های مجتبی و مجتبی (۲۰۰۳: ۴-۵) همخوانی دارد که بیان می‌دارد تفاوت جنسیت در یادگیری زبان یک متغیر فرعی است.

اوکی (۲۰۰۳) برخلاف نتایج این تحقیق بیان می‌دارد که جنسیت و سطح مهارت زبان در یادگیری راهکارهای زبان آموزی مؤثر است. بنابراین، جنسیت در یادگیری زبان یک عامل اصلی نیست بلکه می‌تواند روی چگونگی زبان آموزی از دیدگاه اجتماعی تاثیرگذار باشد. یافته‌های این تحقیق راهکارهای عینی را به کمک آمار نشان می‌دهد تا در پرتو آن اساتید زبان انگلیسی، مولفین کتاب‌های درسی زبان انگلیسی، سیاست‌گذاران آموزش و پرورش و آموزش عالی کشور به تفاوت‌های فردی زبان آموزان توجه نموده و روش‌های تدریس و مواد آموزشی مناسب را جهت تدریس در مکان‌های آموزشی ارایه دهند (نونان، ۲۰۰۵؛ اسمیت، ۱۹۹۳ و هیپشر، ۲۰۰۶). پیشنهاد می‌گردد تا در آینده تحقیقات وسیعتری روی تفاوت‌های فردی دیگر زبان آموزان نظیر شخصیت، عادات یادگیری، استعداد، توانایی، سلامت روانی و سایر متغیرهای مربوطه صورت گیرد. این تحقیقات در دروس و یا مکان‌های آموزشی دیگر نیز می‌تواند انجام شود.

منابع

1. Ansary, H., & Babaii, E. (2002). Universal characteristics of EFL/ESL textbooks. A step towards systematic textbook evaluation. *The Internet TESL Journal*, 8, 2, 1-9.
2. Arends, R.I. (1998). *Learning to teach*. New York: Mc Graw-Hill Book Company.
3. Brown, H.D. (2000). *Principles of language learning and teaching*. New York: Longman.
4. Brown, R.A. (2005). Motivation for learning English among Japanese university students. Article Presented at Bunkyo University, Chigasaki, and Japan. 1-12.
5. Cook, G. (2003). *Applied linguistics*. Oxford: Oxford University Press.
6. Dornyei, Z. (1994). Motivation and motivating in the foreign language classroom. *Modern Language Journal*, 78, 273-284.
7. Enayati, M. S., & Gorjian, B. (2006). *Gender development (Translated)*. Written by S, Glombok & R, Fivush. Cambridge: Cambridge University Press.

9. Farhady, H. (1982). Measures of language proficiency from the learners' perspective. *TESOL Quarterly*, 16, 43-59.
10. Gardner, R.C. (1985). *Social psychology and second language learning: The role of attitudes and motivation*. London: Edward Arnold.
11. Ghelichli, Y. (2001). The role of EFL learners' heterogeneity in terms of age in their use of communication strategies. *Teachers Net Gazette*. 1-11.
12. Gorjian, B. (1998). The role of motivation in teaching and learning EFL processes. *Foreign Language Teaching Journal*, 13, 49, 11-16.
13. Gorjian, B. (2006). The role of teacher/learner variables in teaching/learning EFL. Unpublished Ph.D. Dissertation. Research and Science campus – Khorasgan Branch.
14. Gumperz, J.J. (1982). *Language and social identity*. Cambridge: Cambridge University Press.
15. Hefferman, N. (2005). Leadership in EFL: Time for change. *Asian EFL Journal*, 7, 1, 1-8.
16. Hipsher, S.A. (2006). TESOL teachers as international managers. *The Internet TESL Journal*, 7, 3, 1-6.
17. Kienle, A.W. & Loyed, N.L. (2005). Globalization and the emergence of supernational Organizations: Implications for graduate programs in higher education administration. *College Student Journal*, 39, 3, 580-587.
18. Krashen, S.D. (1982). *Principles and practice in second language acquisition*. Oxford: Pergamon.
19. Krashen, S.D. (1987). *Principles and practice in second language acquisition*. Englewood-Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
20. Lenneberg, E. (1967). *Biological foundations of language*. New York: Wiley.
21. Likert, R. (1932). A technique for the measurement of attitude. *Arch. Psychol*, 140.
22. Madrid, D. (1995). *Internal and external factors affecting foreign language Learning*.
23. In D. Madrid (ed.), *Internal and external factors in language teaching* (pp.59-82). Act as de las II Jornadas de Estudios Ingles. Universidad de Jaen.
24. Maslow, A. (1970). *Motivation and personality*. New York: Harper and Row.
25. Mujtaba, B., & Mujtaba, L. (2002). Creating a healthy learning environment for students success in the classroom. *The Internet TESL Journal*. 1-5.
26. Myers, C. (1994). Question-based discourse in science lab: Issues for ITAS. In C.
27. Madden and C. Myers (Eds), *Discourse and performance of international teaching assistants*. Alexandria, VA: TESOL, 83, 102.
28. Nunan, D. (2005). Important tasks of English education: Asia-wide and beyond. *Asian EFL journal*, 7, 3, 1-5.

- 29.Ok, L.K. (2003).The relationship of school year, sex and proficiency on the use of learning strategies in learning English of Korean junior high school students. *Asian EFL Journal*, 1-29.
- 30.Oxford, R.L. (1990).*Language learning strategies: What teacher should know*.Boston? Mass: Heinle & Heinle Publishers.
- 31.Oxford, R.L. (1999).Anxiety and the language learner: New insights.In J.Arnold(Ed.), *Affect in language learning*.Cambridge: Cambridge University Press.
- 32.Ozman, K.S. (2004).Make them be aware, not be aware of learning: The Cognitive Therapy Technique (CTT) in advanced EFL classes.*Asian EFL Journal*, 6,1, 1-10.
- 33.Rahman, S. (2005).Orientation and motivation in English language learning: A study of Bangladesh: Students at undergraduate level. *Asian EFL Journal*, 7, 1-12.
- 34.Smith, F.T. (1993).An experiment in modifying the attitudes Negroes.*Teacher College Contributions*, 887.
- 35.Swanes, B. (1988). Attitudes and cultural distance in second language acquisition. *Applied Linguistics*, 9,357-71.

جدول ۱- آمار توصیفی دانشجویان پسر (n=100)

Descriptive Statistics								
Variables	Mean	SE Mean	St Dev	Variance	Minimum	Median	Maximum	Range
نمرات EFL	12.873	0.166	1.663	2.767	10.000	12.750	16.000	6.000
انگیزش یکپارچه	3.4830	0.0929	0.9294	0.8638	1.2000	3.6000	5.0000	3.8000
انگیزش ابزاری	2.4300	0.0711	0.7115	0.5062	1.0000	2.5000	4.5000	3.5000
اضطراب	2.7830	0.0589	0.5895	0.3475	0.7000	2.8000	4.0000	3.3000
نگرش	2.4650	0.0788	0.7883	0.6215	1.0000	2.4000	4.4000	3.4000
سن	21.950	0.447	4.473	20.008	19.000	20.000	45.000	26.000

جدول ۲- آمار توصیفی دانشجویان دختر (n=100)

Descriptive Statistics: V1, V2, V3, V4, V5, V6, V7								
Variables	Mean	SE Mean	St Dev	Variance	Minimum	Median	Maximum	Range
نمرات EFL	12.062	0.165	1.649	2.718	10.000	11.500	16.000	6.000
انگیزش یکپارچه	3.4820	0.0882	0.8822	0.7783	1.4000	3.6000	5.0000	3.6000
انگیزش ابزاری	2.2600	0.0806	0.8063	0.6502	0.5000	2.2500	4.2500	3.7500
اضطراب	2.6013	0.0442	0.4416	0.1950	1.2200	2.6600	4.0000	2.7800
نگرش	2.3644	0.0776	0.7761	0.6024	1.0000	2.2800	4.5400	3.5400
سن	20.380	0.173	1.728	2.985	18.000	20.000	28.000	10.000

جداول ۳ و ۴- آزمون فرضیه اول: رابطه بین یادگیری زبان انگلیسی و متغیر انگیزش ابزاری

Table 3. ANOVA- Male students (n=100)

<i>Instrumental Motivation vs. Scores</i>	<i>Sum of Squares</i>	<i>df</i>	<i>Mean Square</i>	<i>F</i>	<i>Sig.</i>
<i>Between Groups</i>	65.252	14	4.661	1.898	.038
<i>Within Groups</i>	208.685	85	2.455		
<i>Total</i>	273.937	99			

Table 4. ANOVA- Female students (n=100)

<i>Instrumental Motivation vs. Scores</i>	<i>Sum of Squares</i>	<i>df</i>	<i>Mean Square</i>	<i>F</i>	<i>Sig.</i>
<i>Between Groups</i>	86.985	15	5.799	2.676	.002
<i>Within Groups</i>	182.062	84	2.167		
<i>Total</i>	269.047	99			

جداول ۶ و ۷- آزمون فرضیه اول: رابطه بین یادگیری زبان انگلیسی و متغیر انگیزش یکپارچه

Table 5. ANOVA- Male students (n=100)

<i>Integrative Motivation vs. Scores</i>	<i>Sum of Squares</i>	<i>df</i>	<i>Mean Square</i>	<i>F</i>	<i>Sig.</i>
<i>Between Groups</i>	107.941	20	5.397	2.569	.002
<i>Within Groups</i>	165.996	79	2.101		
<i>Total</i>	273.937	99			

Table 6. ANOVA- Female students (n=100)

<i>Integrative Motivation vs. Scores</i>	<i>Sum of Squares</i>	<i>df</i>	<i>Mean Square</i>	<i>F</i>	<i>Sig.</i>
<i>Between Groups</i>	104.335	17	6.137	3.055	.000
<i>Within Groups</i>	164.712	82	2.009		
<i>Total</i>	269.047	99			

جداول ۷ و ۸- آزمون فرضیه دوم: رابطه بین یادگیری زبان انگلیسی و متغیر نگرش

Table 7. ANOVA- Male students (n=100)

<i>Attitudes vs. Scores</i>	<i>Sum of Squares</i>	<i>df</i>	<i>Mean Square</i>	<i>F</i>	<i>Sig.</i>
<i>Between Groups</i>	79.030	21	3.763	1.506	.100
<i>Within Groups</i>	194.907	78	2.499		
<i>Total</i>	273.937	99			

Table 8. ANOVA- Female students (n=100)

<i>Attitudes vs. Scores</i>	<i>Sum of Squares</i>	<i>df</i>	<i>Mean Square</i>	<i>F</i>	<i>Sig.</i>
<i>Between Groups</i>	48.391	22	2.200	.768	.754
<i>Within Groups</i>	220.656	77	2.866		
<i>Total</i>	269.047	99			